



کار به وجود آمده ایم. حوزه با انقلاب، متولد شده و رشد کرده است همه کارهای زمین مانده در این حوزه را وظیفه خودمان می‌دانیم و در کوتاهی‌ها هم بی‌تقصیر نیستیم.

*** چرا در ادبیات به ویژه داستان شاهکار ادبی نداشتیم . در این زمینه می‌توانم مستند صحبت کنم . کار داشتیم ، کار خوب هم داشتیم اما شاهکار نداشتیم ، اما کاری که به عنوان اثر شاخص بخواهیم ارائه کنیم ، نداشتیم . چرا؟**

** در تعریف شاهکار می‌گویند هم عوام آن را بفهمند و هم خواص بیسندند. بنابر این وقتی می‌گوییم شاهکار منظورم چیزهایی در حد و اندازه گلستان سعدی، شاهنامه فردوسی و حافظ است. اگر منظور شما هم از شاهکار این باشد، بله در حوزه داستان نه پیش از انقلاب و نه الان کاری در این اندازه نداشته ایم. با توجه به تاریخ ادبیات داستانی کشور ما، بعد از انقلاب کارهای برجسته‌ای داشته ایم که اتفاقاً هم مورد توجه خواص واقع شده‌اند و هم مورد استقبال عموم مردم. این اتفاق بی‌ظنری است در کشور ما که کتابی در حوزه ادبیات درآید و در کمتر از پنج-شش سال شمار گانش به نیم میلیون نسخه برسد.

کجا کتاب داستان و رمانی چاپ می‌شود که اولین کار نویسنده باشد و بیش از ۳۵ بار تجدید چاپ شده باشد؟ رمان "من او" رضا امیرخانی این ویژگی را دارد و از این نمونه کتاب‌ها زیاد است. کارهای خوب و برجسته داریم اما بر اساس توقع بالایی که داریم و نسبت به عظمت انقلاب گاهی خودمان را سرزنش می‌کنیم که نباید به همین ها قانع بشویم اما نباید موجب سوءتفاهم شود. وقتی به اطراف نگاه می‌کنیم، کتابی مثل "جاده جنگ منصور انوری؛ نسبت به کارهای مشابه پیش از انقلاب نه تنها، کار کوچکی نیست بلکه یک سروگردن از آن‌ها بالاتر است، اما بحث این است که وقتی در مورد انقلاب اسلامی صحبت می‌کنیم، حرف شمارا قبول داریم اما با توجه به سابقه ادبی ادبیات فارسی، شاهکاری نشده است.

اگر شاهکار شاهنامه فردوسی است، شاهکار خلق نکردیم ولی ناامید نیستیم که شاهکار ادبی خلق شود. اما اگر آثار بعد از انقلاب را با پیش از انقلاب مقایسه کنیم، بالاتر از این هاست. در داستان کوتاه مشهورترین کار پیش از انقلاب "سنگرو" قلمقه‌های خالی "با" ملکوت بهرام صادقی بود ولی وقتی امروز کار جوانان را می‌بینیم، متوجه می‌شویم چقدر بچه‌های ما جلوتر رفته‌اند. لابد کارهای مجید قیصری را دیده‌اید!

*** وقتی با برخی از نویسندگان صحبت می‌کردم نظرشان این بود که داستان کوتاه پیشرفت بیشتری نسبت به رمان داشته .**

** در رمان هم همین‌طور است. پیش از این رمان در میان نویسندگان مذهبی کار غربی بود که کسی جرأت نمی‌کرد نزدیکش شود اما بعد از انقلاب، به ویژه بعد از جنگ مورد توجه دوستان قرار گرفت و امروز به مرتبه‌ای رسیده‌اند و شأنی برای خود دارند.

*** رمان و داستان به زمان نیاز دارد که اشاره کردم . . .**

** نوشتن رمان به چیزهای زیادی نیاز دارد. نیازمند تجربه هم هست. به ویژه پرداختن به حوادث تاریخی.

*** زمان انقلاب کجا بودید و چه می‌کردید؟**

** دانش‌آموز کلاس پنجم بودم و در تهران، خانه پدر بزرگم بودم. تجربه‌هایی که یک نوجوان کلاس پنجمی از انقلاب دارد را به یاد دارم. آن زمان دایی‌هایم اعلامیه می‌آوردند و گاهی شیطنتهایی می‌کردیم و جاهایی می‌رفتیم که اگر خانواده می‌فهمیدند اجازه نمی‌دادند که بروم و همین‌هم به دلیل کنجکاوی بود. به خاطر می‌آورم